**فارسی نویسی**

**فروغی، محمد علی**

نامه‏ایست که مرحوم محمد علی فروغی(ذکاء الملک)در موقعی که وزیر مالیه بوده‏ بادرات مالیهء کشور بطور متحد المآل فرستاده یعنی درسی است که بهمگان داده است.

(مجله یغما)

این اوقات بعضی اصطلاحات جدید میان نویسندگان شایع شده که با طبع زبان‏ فارسی و فصاحت منافی است و لازم است بادرات وزارت مالیّه تذکر داده شود که از استعمال آنها احتزاز کنند و از این جهت از فاسد شدن و تغییرشکل بیجا یافتن زبان‏ فارسی جلوگیری نمایند.از جملهء آن اصطلاحات از نقطهء نظر است که ترجمهء Point De vue می‏باشد.

اولا-باید دانست که این اصطلاح فرانسه سابقا هم در فارسی عبارت داشته‏ و لازم نبوده است ترجمهء تحت الفظی برای آن درست کنند.

ثانیا-همان عبارت ترجمه را هم غالبا بیجا و بیمورد استعمال میکنند.مثلا مینویسند.از چه نقطهء نظر این‏کار را کردند.و حال آنکه باید گفت بچه ملاحظه‏ یا بچه جهت یا بچه مناسبت،یا باید گفت منظور شما از این کار چه بود و قس علیهذا.

یا مثلا مینویسند:خاک ایران از نقطهء نظر معدن غنی است.غافل از اینکه‏ معدن نقطهء نظر ندارد.نقطهء نظر راجع بانسان است و در عبارت فوق باید گفت:از جهت معدن.

نیز مینویسند:مثلا از نقطهء نظر مصالح مملکت و حال آنکه سیاق فارسی‏ آن است که بگویند،بملاحظه،یا برعایت،یا برای،یا نظر به مصالح مملکت و قس علی ذلک.عبارات فوق مختصرتر است و هم بهتر و هم غلط نیست زیرا که در موارده مذکوره حتی در زبان فرانسه«نقطهء نظر»استعمال نمیکنند البته اگر جائی که در فرانسه این عبارت را بکار میبرند ما هم در فارسی بگوئیم آنقدر قبیح‏ نخواهد بود اما باز اگر از این عبارت احتزاز کنیم و آنچه سابقا میگفتیم بگوئیم بهتر است و آن عباراتی است از این قبیل:باعتبار یا از حیث یا از جنبهء.مثلا در فرانسه‏ میگویند:«اگر باین قضیه از نقطهء نظر قضائی نگاه کنیم»اما در فارسی بهتر آنست‏ بگوئیم:باعتبار قضائی یا از جنبهء قضائی یا از حیث قضاوت و قس علیهذا.

همچنین خواهش میکنم ادارات این‏نوع عبارت ننویسند:فلان‏چیز صورت‏ عجیبی بخود گرفته.سابقا میگفتیم بصورت عجیبی درآمده است یا صورت عجیبی‏ پیدا کرده.نمیدانم بخود گرفته اصطلاح کجاست و چه حسنی دارد؟

از عبارات خیلی قبیح که این اوقات دیده میشود این است:تحت وضعیات‏ کنونی چرا نمی‏نویسند:با اوضاع کنونی،یا:با حالت حالیه،یا:با این حال.استعمال‏ «تحت»در این موارد چه لطفی دارد؟

استعمال الفاظ وضعیت و موقعیت برای چیست؟عربی اصل که نیست.فصحای‏ فارسی‏زبان هم که استعمال نکرده‏اند اگر جعل و اختراع است چه مزیت و لزومی دارد؟

باری مقصود این است دوائر تحریریه را متوجه کنید این شیوهء فارسی‏نویسی که‏ امروز از مترجمین بادرات و حتی بعموم مردم سرایت کرده زبان فارسی را رو بفساد میبرد و حیف است،و بعدها اگر این قسم عبارات در مراسلات دیدم امضا نخواهم کرد.

محمد علی معیری(مسحور)

آرزوها

خلوت دوست خدایا وطنم کاش که بود خانهء دل بکنار از محنم کاش که بود انجمن ساخته از شمع رخش باز قریب‏ ره چو پروانه در آن انجمنم کاش که بود بوی جان میوزد از طرفه چمنزار وفا نوگل زندگی از آن چمنم کاش که بود همچو بلبل که گل از شاخ بمنقار برد غنچهء سرخ لبت در دهنم کاش که بود خون من ریختی و قطرهء اشکیت نریخت‏ دامن غرق بخونت کفنم کاش که بود گرچه شهد از لب میگون تو ماراست بکام‏ جرعه‏ای زان می‏تلخ کهنم کاش که بود باغ حسنت گل امیال پراکنده بباد غنچه‏ای زان سمن و یاسمنم کاش که بود مستی عشق در آغوش توام هست امید خلوت را ز تو باری وطنم کاش که بود حافظ،اشعارترت یکسره جانست و روان‏ روح یک شعر تواندر سخنم کاش که بود مهربانم بتو«مسحور»و بیا،باز مگو مهربان آن بت پیمان‏شکنم کاش که بود